

عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری (مطالعه موردی شهر شیراز)

دکتر محمدتقی ایمان* و مریم اسکافی**

مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی جامعه مسئولیت مهمی را به عهده دارد. «خانواده از گروهی از افراد ترکیب می شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می کنند» (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۲۷). خانواده را می توان سازمان اجتماعی محدود و نهاد سازنده ای دانست که از طریق ازدواج که یک قرارداد اجتماعی است تشکیل می شود (فرجاد، ۱۳۲۷: ۲۷).

ازدواج، پیمانی مقدس، شرعی و قانونی بین زن و مرد برای شرکت در یک زندگی اجتماعی جدید با یکدیگر است که ثمره آن آرامش و بهره برداری صحیح و مطبوع از زندگی و تضمین بقاء نوع و ایثار و محبت خواهد بود (قلی زاده، ۱۳۷۶: ۴۰). نیاز طبیعی و

* استادیار بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

** کارشناس ارشد جامعه شناسی

شوق همدلی و گریز از انزوا و اندیشه ابدیت بخشیدن به هستی خود و احساس سازندگی و خلاقیت و حفظ میراث فرهنگی و اعتلای آن به همسر گزینی، به تشکیل خانواده و داشتن فرزندان و آموزش و پرورش آنان منجر می شود (کوئن، ۱۳۷۰: ۵۱). نظر به اهمیتی که خانواده در جامعه کنونی ما دارد، چگونگی انتخاب همسر برای ازدواج و تشکیل خانواده مهمترین موضوعی است که لازم است مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به فرهنگ سازی در نظام خانوادگی می توان گفت: ازدواج به تمام معنی یک پدیده اجتماعی است، علی الخصوص که تحت نظارت دقیق جامعه صورت می پذیرد. یعنی حضور دائمی جامعه در کار زوجیت و کوشش آن در راه به نظم و قاعده کشاندن باعث پیدایش ممنوعیتها، محدودیت ها و مشکلات در راه چگونگی همسرگزینی می شود. افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان. انسان سده ۲۰ با آزادی فراخ و گسترده ای همسر خود را برمی گزیند، اما فرد از جامعه و گروه خود تأثیر می پذیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۷).

در یک ازدواج عوامل بسیاری در ارتباط هستند بنحوی که برجس و والین در بررسی های مربوط به انتخاب همسر، به پنج عامل به عنوان عواملی که اصولاً تعیین کننده هستند اشاره دارند: ۱- همجواری ۲- تصویری از همسر آرمانی (ایده آل) ۳- تصویری از والدین و زناشویی آنها ۴- همسان همسری یا گرایش به گزینش کسی که همگون ما باشد ۵- نیازهای شخصیت (شهابی، ۱۳۷۱: ۵۲). همسان همسری در این میان در جهت و حفظ ارزشها و اعتقادات معینی انجام می پذیرد. ازدواجی که با توجه به ارزشها و ویژگیهای شخصیتی انجام پذیرد، همسان همسری است (اشلمان، ۱۹۸۸: ۲۹۸). به طور کلی همسان همسری شاخص های متفاوتی دارد که در این پژوهش همسانی سنی، همسانی تحصیلی، همسانی پایگاه شغلی، همسانی طبقاتی، همسانی در سلیقه ها، همسانی در وضعیت مالی والدین، همسانی در شغل والدین، نزدیکی محل سکونت قبل از ازدواج و همسانی در مذهب که با توجه به شرایط طرفین ازدواج لحاظ می شود، مدنظر می باشد. از این رو با توجه به تعریف هیل، این پژوهش در پی آن است که عوامل متفاوتی را که بر اندیشه افراد متأهل نسبت به همسان همسری در زندگی زناشویی اثر می گذارند، مورد توجه قرار داده و

شناسایی نماید. به عبارت دقیق تر، این تحقیق، معیارهای مورد نظر در تعیین نگرش افراد نسبت به همسان همسری را در بین مردم شهر شیراز مورد بررسی قرار داده و اهداف زیر را دنبال می نماید.

اولین هدف، شناخت عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری در بین متأهلین شهر شیراز می باشد. با این شناخت می توان پی برد که والدین، جامعه و اطرافیان در نگرش فرد نسبت به همسان همسری و انتخاب همسر تا چه حد تأثیر داشته و نقش آنان نسبت به قبل تا چه حد تغییر کرده است؟ آزادی عمل جوانان در هنگام ازدواج در این امر چقدر است؟ آیا جوانان با توجه به انتظارات جامعه، والدین و... همسر خود را انتخاب می کنند؟ آیا این موارد محدودیت هایی در انتخاب همسران همسان ایجاد می نمایند یا خیر؟ با شناخت این مسائل می توان در برنامه ریزیهای آینده تجدید نظر به عمل آورد و راهکارهایی ارائه کرد. هدف دوم، شناسایی این که اکثریت افراد متأهل در مورد ازدواج چه نگرشی دارند؟ با توجه به تجربیات خود در زندگی زناشویی، در مورد فرزندان خود چگونه تصمیم گرفته و خواهند گرفت؟ هدف سوم این است که بتوان حدس زد و پیش بینی کرد که در آینده با این مسأله مهم، چطور باید برخورد نمود و اصولاً روند همسرگزینی و ازدواج چگونه باید باشد؟ همچنین می توان با انجام این کار مقایسه ای با تحقیقات قبلی انجام داد تا مشخص گردد که روند همسرگزینی چطور تغییر کرده است؟ آیا به سوی انتخاب همسران همسان جهت گیری می شود یا خیر؟

ادبیات تحقیق

حق دوست و دیگران پژوهشی تحت عنوان «نگرش دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور نسبت به عوامل مؤثر بر ازدواج»، در سال ۷۴ در تهران انجام داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که در رابطه با سن ازدواج، بین زنان و مردان تفاوت آماری معناداری دیده می شود. هر دو جنس وجود دوره نامزدی را لازم می دانستند. مهمترین انگیزه ازدواج در جوانان چه پسر و چه دختر احساس شدید روانی به داشتن همدم و همراز است (حق دوست و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۰ و ۲۶).

عزیزی پایان نامه خود را با نام «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی دختران تحصیلکرده شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری». در شهر شیراز با نمونه ۴۰۰ نفری در بهار ۱۳۷۷ انجام داده است. نتایج نشان می دهد که شاخصهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان با نگرش آنها در مورد همسان همسری رابطه معناداری داشته و با افزایش سواد، درآمد و منزلت شغل آنان، انتظارات آنها در مورد همسران آینده شان نیز بیشتر می گردد (عزیزی، ۱۳۷۷: ۳).

کالمین مطالعه ای تحت عنوان «ازدواج همسان در زمینه پایگاه شغلی اقتصادی و فرهنگی» در سال ۱۹۹۴ با استفاده از سرشماریهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در منطقه ای از شیکاگو انجام داد. این مطالعه دو فرضیه همانندی فرهنگی و رقابت اقتصادی را در سطح خرد در باره همسانی پایگاه بررسی می کند. در این پژوهش که مشغولیتهای مشروح تازه عروس ها و دامادها با استفاده از طیفها و مدلهای خطی لگاریتم که برای تحلیل جداول ۷۰×۷۰ ازدواج بر مبنای شغل، مورد بررسی قرار گرفته است، بر این امر اشاره دارد که در ازدواج، همسانی از نظر پایگاه فرهنگی مهمتر از همسانی در پایگاه اقتصادی است. بعد اقتصادی همسانی پایگاه وقتی مهمتر می شود که مردم دیر ازدواج کنند و همسانی پایگاه اقتصادی بین سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۸۰ به علت همسانی پایگاه فرهنگی افزایش یافته است (کالمین، ۱۹۹۴: ۴۲۲). این تحقیق نشان می دهد که گرایش به همسانی پایگاه فرهنگی در همسرگزینی، همان طور که بوسیله معیارهای شغلی سنجش می شود بدنبال شباهت فرهنگی، نقش مرکزی را در فرایند انتخاب همسر بازی می کند (همان، ۴۴۸).

تحقیقی در سال ۱۹۹۸ توسط چینکائو کوئیان در آمریکا با عنوان «تغییرات همسان همسری در ازدواج در طول سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰» انجام گردید. این تحقیق به بررسی تمایل به ازدواج با استفاده از تأثیر سن و دستیابی تحصیلی همسران پرداخته و نتایج نشان داد که:

۱- در دوره ۱۹۸۰ - ۱۹۷۰ کاهش زیادی در تمایل برای ازدواج با تفاوت نسبتاً کم از نظر سنی و تحصیلی تجربه گردیده است.

۲- در دوره ۱۹۹۰ - ۱۹۸۰ تنوع های بیشتری را با سن و تحصیل در تمایل به ازدواج نشان می دهد، که شامل کاهشهایی برای مردان و زنان زیر ۲۵ سال است و افزایشهایی برای مردان و زنان در سنین بالاتر و کاهشهای بیشتری برای افراد دارای تحصیلات کم است. زنان با تحصیلات بالا، نسبت به زنان کمتر تحصیل کرده، گرایش بیشتری به ازدواج دارند. کاهش شدید میزان های ازدواج جوانان، مردان و زنان با تحصیلات پایین، تمایل کمتری را در بازار ازدواج به علت محدودیت منابع اقتصادی ایشان نشان می دهد (کوئیان، ۱۹۹۸: ۲۸۹۰).

مبانی نظری تحقیق

چگونه مردم درون هنجارها و فشارهای ساختار اجتماعی، روابط خصوصی را شکل می دهند؟ نظریه پردازان اجتماعی چند دیدگاه را برای توصیف اینکه چرا و چگونه روابط خصوصی طولانی مدت ایجاد می شود، ارائه نمودند که به چند مورد از آنها اشاره می گردد.

نظریه مبادله اجتماعی

تمرکز نظام فکری مبادله اجتماعی بر این است که چه چیزی دریافت می شود و چه چیزی داده می شود. هر رفتاری یا هر مبادله ای بین اشخاص، مثل هزینه یا پاداش بطور بالقوه بررسی می شود. محققان با استفاده از این نظریه این سوال را می پرسند که چرا رفتار یک شخص در مقابل دیگری انتخاب می شود؟ اصول عمومی مبادله این است که افراد از رفتار پرهزینه اجتناب می کنند و به دنبال موقعیتهایی هستند که در آن پاداشها بر هزینه ها بچربد. دیدگاه مبادله فایده را به عنوان پاداشهایی که هزینه های منفی دارند، تعریف می کند. در کاربرد این دیدگاه، فرض این است که مردم براساس بزرگترین فایده شرکت داده شده و تصمیم گیری می کنند (نک، ۱۹۷۸: ۴۷).

نظریه مبادله اجتماعی توسط روانشناسان اجتماعی مثل تیبوت و کلی (۱۹۵۹) و جامعه شناسانی مانند جورج هومنز (۱۹۶۱) و پیتر بلاور (۱۹۶۴) ارائه شده است. این نظریه فرض می کند که انسانها با فشارهای یکسانی که از بازار اقتصادی ناشی می شود،

تحریک می شوند. نظریه مبادله، همچنین توجه ما را به انتظارات مردم جلب می کند. این انتظارات از تجربیات گذشته ناشی شده است. یعنی ما جذابیت نتایجی را که در روابط گذشته و حال به آن رسیده ایم مقایسه می کنیم. اگر رابطه حال فراتر از انتظار ماست، رضایت بالاست و اگر رابطه حال، انتظار ما را برآورده نکند، احتمالاً خیلی خوشحال نیستیم. رهیافت مبادله سعی می کند توضیح دهد که چرا ما به طرف بعضی افراد کشیده می شویم و نه دیگران. افراد ویژگیهای خود را (مثل پایگاه اقتصادی، جذابیت، و غیره) ارزیابی می کنند و بدنبال همسرانی هستند که امتیازاتی مانند خود دارند. این رهیافت همچنین شرح می دهد که چرا ما بعضی روابط را ادامه می دهیم و در آن باقی می مانیم و بقیه را ترک و از آنها اجتناب می کنیم. روابط خصوصی، پاداشهای آشکاری (مثل عشق، رضایت جنسی، محبت، خصوصیات مطلوب همسر، همنشینی و مانند آنها) را فراهم می کند. اما آنها هزینه های مشخصی (مانند زمان و تلاش صرف شده برای حفظ رابطه، خصوصیات نامطلوب همسر فرد، تضاد و مانند اینها) را نیز ارائه می دهند. روابط طولانی مدت مثل ازدواج، اگر نتایج مثبتی داشته باشند رخ می دهند و همسران باور دارند که آنها با یکدیگر باشند بهتر است تا تنها (نیومن، ۱۹۹۹: ۱۴۰-۱۳۹).

نظریه نیازهای مکمل

مشهورترین نظریه ناهمسان همسری، نظریه وینچ (۱۹۵۵) است. وی بیان کرد که افراد از بین حوزه واجدین شرایط، فردی را بعنوان همسر خود انتخاب می کنند که ویژگیهای روانشناختی مکمل خود را دارا باشند. براساس این نظریه، ناهمسانی دو فرد از لحاظ قابلیتهای ذهنی از یکسو میان آنان پیوند ایجاد می کند و از سوی دیگر کمکی در ارضاء زندگی زناشویی است (اشلمان، ۱۹۹۸: ۲۹۹). براساس نظریه طرفداران ناهمسان همسری اگر یکی از دو نفر در فرآیند ازدواج دارای منشی چیره گر باشد و دیگری دارای منشی چیره پذیر، آنها خواهند توانست با یکدیگر وصلت کنند و ازدواج می تواند برایشان خرسند کننده باشد. حال آنکه اگر هر دوی ایشان از منشی یگانه برخوردار باشند (هر دو سلطه جو و یا هر دو سلطه پذیر باشند) گمان نمی رود که به سوی یکدیگر بگرایند، در

چنین وضعی وصلت آنان قرین ناکامی خواهد شد (جهانگیرزاده، ۱۳۷۵: ۴۴). پس هریک از همسران برای آنکه نیکبخت و سازگار باشد، باید به نوبه خود در حل مسائل زندگی به نوعی در تبادل و تکمیل متقابل اهتمام ورزد. وینچ باور داشت که عشق جذابیتهای برای طرفین دارد که می تواند نیازهای روانشناختی دیگری را برطرف کند (اشلمان، ۱۹۸۸: ۳۰۲).

نظریه نقش - ارزش - انگیزه

نظریه نقش - ارزش - انگیزه یک نظریه عمومی از توسعه روابط بین زوجهاست. بنیانگذار این نظریه برنارد مورستین (۱۹۸۰) است. این نظریه در مقام نظریه مبادله است که در شرایط گزینشی نسبتاً آزاد، جذب و کنش متقابل به ارزش مبادله امتیازات و استعدادهایی که هریک از زوجین به موقعیت جدید وارد می کند، بستگی دارد. انواع متغیرهایی که روی مسیر پیشرفت رابطه تأثیر می گذارند، تحت سه مقوله انگیزش، مقایسه ارزشی و نقش طبقه بندی می شود (مورستین، ۱۹۸۶: ۱۳۴).

مرحله انگیزش: زمانی که دو فرد از جنس مخالف آزادی عمل در انتخاب داشته باشند، عمدتاً شرایط زیادی وجود دارد که بسیاری از افراد غیرقابل انتخاب را حذف کنند. مرحله انگیزش وقتی است که اولین انتخابها بر پایه ویژگیهای آشکار ساخته می شوند. هر شخصی قوت و ضعف های دیگری را ارزیابی می کند و این ارزیابیها آنقدر ادامه پیدا می کند که نهایتاً به دوست داشتن یا تنفر تبدیل می گردد. **مرحله مقایسه ارزشی:** این اصطلاح دربرگیرنده مفاهیمی چون علائق، نگرشها، عقاید و حتی نیازها است. نقطه تمرکز اولیه مرحله مقایسه ارزشی، بطور خلاصه گردآوری اطلاعات از طریق تعامل زبانی با دیگری است. زمانی که افراد دارای ارزشهای مشابه شدند، اعتماد آنان بالا رفته و از این رو رضایتمندی و خرسندی عاطفی حاصل شده و ابزارهای برقراری ارتباط و کنش متقابل افزایش می یابد. به طور خلاصه این نظریه بر آن است که:

۱- اشخاص با پیش زمینه های مشابه، ارزشهای مشابهی می گیرند.

۲- پاداشها به افراد رضایت خاطر و خرسندی می دهند، از این رو تمایل به ادامه ارتباط، آشنایی را زیاد می کند (مورستین، ۱۹۸۶: ۱۳۶). زوجینی که به این مرحله

می رسند، در باره موضوعات مهمی مثل ازدواج، نگرش نسبت به زندگی، نقشهای جنسی، داشتن فرزند و مانند اینها به اشتراک می رسند. شباهت ارزش به شدید شدن ارتباط عشقی و کنش متقابل با یکدیگر ختم می شود. در حقیقت، شباهت قوی ارزشی ممکن است به ازدواج ختم گردد (نک، ۱۹۸۷: ۱۱۲).

مرحله نقش: در این مرحله زمانی که یک زوج مرحله انگیزش و مقایسه ارزشی را سپری نمودند، یک رابطه معقولانه را تثبیت می نمایند. بعضی از این افراد در این مرحله حتی ممکن است تصمیم به ازدواج بگیرند. جنبه اولیه از مرحله نقش، ارزیابی از کارایی یک شخص در ارتباط با نقشی است که شخصی برای [دیگری متصور می شود و کارائی نقش تصور شده همسر با توجه به نقش هائی است که شخص برای او تصور کرده است (جهانگیرزاده، ۱۳۷۵: ۵۳). این کنش متقابل به هر شخصی اجازه می دهد که دیگران و خود را در نظم بخشیدن به ارتباط با آنهایی که می تواند در ازدواج انتظار داشته باشد، مشاهده کند. آنها قادرند تخمین بزنند که آیا شخص دیگری نیازهایشان را برآورده می کند یا نه؟ و آیا آنها در نظم دادن به ارتباط ایجاد شده راحت هستند یا نه؟ (اشلمان، ۱۹۸۸: ۳۰۵)

نظریه زیست - جامعه شناختی

برخی از جامعه شناسان بر الزاماتی که در زمینه روابط خانوادگی انسان است تمرکز می کنند. فرض آنها بر آن است که بعضی از اشکال خانواده، نتیجه محصولات طبیعی فرآیند تکامل هستند. این دیدگاه با عنوان «زیست - جامعه شناختی» شناخته شده است. بدنبال درک رفتار انسانی است. براساس این دیدگاه، بیولوژی همیشه با فرهنگ در خلق اشکال مشخص کنش متقابل فعال است. برخی اشکال رفتار انسانی با انواع دیگر مشترکند، بعضی منحصر به انسانند و بعضی از فرهنگی به فرهنگ دیگر یا حتی از شخصی به شخص دیگر، متفاوتند (نیومن، ۱۹۹۹: ۱۳۶). جامعه شناسان معتقدند که الگوهای خانواده در انسانها در طول میلیونها سال برای تضمین بقا و پیوستگی مادران و نوزادان و همسران بالغ و باز تولید فرزند سالمی که تا بلوغ و تا زمان باز تولید آنها بقا خواهد یافت، شکل گرفته است. چشمگیرترین نوع از اشکال خانواه، خانواده هسته ای است

که زیست - جامعه شناسان اظهار داشتند که هر نوع خانواده باید برای انتقال دادن مواد ژنتیکی شان از طریق باز تولید موفق در روش های متفاوت شکل بگیرند و رشد کنند. مردان و زنان، تکنیک های همسرگزینی متفاوتی را که بر پایه تفاوت های بیولوژیکی در فرآیند باز تولیدی است، شکل داده اند. برخی از زیست - جامعه شناسان معتقدند که بخاطر تفاوت های جنسی در سرمایه گذاری بازتولیدی، مردان و زنان از نظر ژنتیکی برنامه ریزی می کنند و ویژگیهای متفاوتی را در یک همسر جستجو می کنند. آنها ادعا می کنند که نیاز بازتولیدی زن برای حفظ و ثبات به این معنی است که آنها معیاری را شکل داده که بر پایه تعهد همسر است. بدین معنا که کسانی می خواهند که قادر باشند روی منابع آنها و فرزندان شان سرمایه گذاری کنند و از ضرر و زیان جلوگیری نمایند (ترنر، ۱۹۹۸: ۱۲۵).

واندنبرگ معتقد است که هر شخصی ژنهایش را مستقیماً از طریق بازتولید و به و به طور غیرمستقیم از طریق بازتولید روابطشان با بافتی که ژنها با آنها مشترکند بازتولید می کند. درجه نودوستی برای خویشاوند با مقدار مواد ژنتیکی مشترک در یک رابطه و با توانایی آن خویشاوند با بازتولید این مواد تعیین می شود. واندنبرگ برای شرح پدیده های تجربی مانند نظامهای خویشاوندی از مفاهیم زیست - جامعه شناختی استفاده می کند. او در این رابطه می گوید: سلیقه های متداول در جوامع انسانی برای چندزنی و برترگزینی (ازدواج زنان با مردانی از گروه های خویشاوندی طبقه بالاتر) و استانداردهای دوگانه مرگ و میر (آزادی بیشتر مردان نسبت به زنان) می تواند در رابطه با استراتژیهای سازگاری بازتولیدی توضیح داده شود. زنان بطور مقایسه ای تخمک های کمتری برای ارائه در دوره زندگی دارند و حتی در آزادترین یا مساوات طلبانه ترین جوامع، زمان بیشتری نسبت به مردان برای تولید بچه صرف می کنند. بنابراین یک زن بدنبال نوعی استراتژی بازتولیدی خواهد بود که او را از بقاء مواد ژنتیکی اش مطمئن کند و استراتژی مورد نظر، استراتژی حداکثر سازی است که برای ازدواج با مردی با منابع و استعداد خوب برای اطمینان از بقاء فرزندش در نظر گرفته می شود. به همین دلیل زنان برترگزینی را در ازدواج ترجیح می دهند (همان، ۱۲۸-۱۲۴).

دیدگاه ترکیبی کالینز

کالینز بدنبال پاسخ به این سوال است که ساخت چیست و چگونه عمل می کند؟ او در پاسخ به این سوال، اصطلاح «زنجیره های کنش متقابل مناسکی» را بکار می برد که در طول زمان و در یک مجموعه به هم پیوسته در بین افراد در طول زمان تکرار می شود. هرچه تعداد اعضاء درگیر در تماسهای اجتماعی زیاد شود و فضای فیزیکی که تماس در آن صورت می گیرد گسترده شود، ساخت اجتماعی کلان تر می گردد. بنابراین برای کالینز ساخت اجتماعی دارای سه بعد می باشد:

۱- تعداد افراد و تماسهایی که در آن درگیرند.

۲- مقدار زمان صرف شده در یک تماس و میزانی که آن با تماسهای قبلی رابطه دارد.

۳- مقدار و الگوی فضای فیزیکی استفاده شده برای صدور تعامل مناسکی که تماس را مشخص می کند.

با توجه به بعد زمان، مسئله اساسی مدت زمانی است که در یک تماسی که تعامل در آن رخ می دهد صرف می شود و مسئله مهمتر دیگر میزان ارتباطی است که هر تماس با دیگر زنجیره های تماس دارد. بنابراین کنش یک لحظه ای که فقط چند ثانیه یا چند دقیقه طول می کشد. به لحاظ جامعه شناختی نسبت به تماسی که مستلزم مناسک تعاملی مختلفی است که بارها تکرار می شود از اهمیت کمتری برخوردار است (خون چمن، ۳۴-۳۳). تماس برای کالینز یک واقعیت مکالمه ای مشترک است که مستلزم مذاکرات بین افرادی است که دارای مقادیر مختلف منابع و انگیزه برای شرکت در تعامل هستند. یعنی افراد منابعی مثل خاطرات به یاد مانده از محاوره های قبلی، سبکهای گفتاری، معرفتهای ویژه، دسترسی به شبکه های ارتباطی گسترده تر، توانایی اعمال اجبار بر دیگران و مانند اینها، دارند. این منابع سرمایه های فرهنگی فرد شناخته می شوند. افراد همچنین سطح خاصی از انگیزشها یا انرژی عاطفی برای مشارکت در محاوره به سبک خاص دارند. هنگامی که سطح سرمایه های فرهنگی افراد برابر و انگیزه های آنها مشابه باشد، مثلاً در محاوره های دوستانه، شرکت کنندگان هم می توانند «سرمایه فرهنگی» و «انرژی

عاطفی»شان (احساس رضایت از برخورد) را افزایش دهند. البته بسیاری از تماسهای اجتماعی بین افراد نابرابری است که در آن برخی ها سرمایه فرهنگی و انرژی عاطفی بیشتری نسبت به دیگران دارند. این افراد قادرند محاوره ها را کنترل نمایند، موضوعات گفتگو را مشخص کنند، محل قرار گرفتن افراد و حتی آنچه که افراد مجاز به گفتن می باشند، مشخص نمایند (همان، ۳۵-۳۴).

چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش از بین نظریه های مذکور، ترکیبی از دیدگاههای مبادله اجتماعی و نظریه مبادله کالینز انتخاب گردید، ضعف نظریه نیازهای مکمل این است که اولاً نمونه آن نمی تواند معرف واقعی جامعه آماری باشد و صاحب نظران در مورد این نظریه با یکدیگر توافق کلی ندارند و در نظریه نقش - ارزش - انگیزه این ضعف به چشم می خورد که هنوز این نظریه در گذر از مراحل مورد نظر بر روی زوجین تست نشده است. دیدگاه مبادله اجتماعی می تواند برای تشکیل فرضیاتی بکار رود که خصوصیات اقتصادی - جمعیتی... گوناگون را به معیارهای همسرگزینی پیوند می دهد (ادواردز، ۱۹۶۹). نظریه کالینز نیز اشاره به منابعی دارد که افراد به داد و ستد با هم می پردازند.

نظریه مبادله احساسهای بالارزش بین افراد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی توجه دارد (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۷۹). نظریه مبادله بر این فرض استوار است که افراد، آرزوها و هدفهای شخصی روشنی برای خود دارند. هر کسی ممکن است به چیزهایی نیاز داشته باشد، اما این نیازها، هدفهای مشترک نیستند. در اینجا فرض شده است که هدفها و خواسته های شخصی و منحصر به فرد افراد، انگیزه های خود خواهانه ای به آنان می دهد. کنش فرد در خلاء صورت نمی گیرد. هر کسی درازای آنچه می گیرد چیزی باید بدهد. اگر رضایت متقابل وجود نداشته باشد، هیچ تعامل اجتماعی صورت نخواهد گرفت (همان، ۸۳). نظریه پردازان مبادله معتقدند که در این مبادله همیشه دریافت پاداش متضمن هزینه است. هزینه معمولاً بعنوان کوششی تعریف می شود که صرف حصول رضایت و پاداشهای بالقوه ای شده است که در نتیجه یک انتخاب معین و کنار گذاشتن انتخابهای

دیگر از دست رفته است. سود، تفاوت بین پاداش و هزینه است و زمانی بدست می آید که پاداش بیشتر از هزینه باشد (همان، ۸۴). اصول عمومی مبادله این است که افراد از رفتار پرهزینه اجتناب می کنند و به دنبال موقعیتهایی هستند که در آن پاداشها بر هزینه ها بچربد. مثلاً برای یک فرد متأهل منبع پاداشها به چند طریق است: لذت بخش بودن کنش متقابل با همسر، سودهای عینی (دارائی) و درک روانشناختی از احساس راحتی و آسایشی که با ازدواج همراه می شود (نک، ۱۹۹۸).

ازدواج بعنوان مبادله ای از منابع اقتصادی مرد برای خدمات خانگی و اجتماعی زن دیده می شود. فرض نان آور بودن مرد و زن و مادر بودن زن به طور عمیقی در پیمان ازدواج قانونی ریشه دوانده است. در حالی که تقسیم سنتی کار جنسی رو به نقصان است، پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر در تعیین جایگاه اجتماعی زوجین هنوز نسبت به زن مهمتر است. برای درک الگوهای کلی انتخاب همسر، محققان از مفهوم بازار ازدواج استفاده می کنند. مردان و زنان مجرد در بازار ازدواج، کار می کنند، جایی که هر فردی مجموعه ای از افراد ناشناخته را مشاهده می کند. این افراد براساس منابعی که برای عرضه دارند ارزشیابی می شوند و افراد با یکدیگر بر سر همسرانی که به خاطر منابعشان آنها را می خواهند، رقابت می کنند. چند نوع منبع، آشکارا در انتخاب همسر نقش بازی می کنند، اما جامعه شناسان اغلب بر منابع فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی تمرکز می کنند، چون همسران متأهل این منابع را روی هم می گذارند تا مطلوبیتهای خانواده مانند رفاه اقتصادی، پایگاه، تأیید اجتماعی و محبت و علاقه را تولید کنند (همان).

در نظریه مبادله کالینز، در باره مناسک تعاملی، توزیع افراد در فضای فیزیکی، سرمایه یا منابع نسبی شان برای استفاده در مبادله و نابرابری در منابع علاقه نشان داده می شود. «قدرت» توانایی وادار کردن یا مجبور کردن دیگران به انجام کاری به نفع خود و «منابع نمادی» است. منابع نمادی عبارتند از سطوح نسبی منابع زبانی و محاوره ای، همچنین توانایی استفاده از ایده های فرهنگی مثل ایدئولوژیها، ارزشها، عقاید، برای اهداف شخصی می باشد. (خون چمن، ۱۳۷۷: ۳۵). اما چه چیزی مناسک تعاملی را موفق یا

ناموفق می گرداند؟ و مناسک چه نوع ائتلافی را برمی انگیزد؟ کالینز در این مورد دو عامل را مهم و مؤثر می داند:

۱- سرمایه های فرهنگی

۲- انرژیهای عاطفی

شرکت کنندگان در مناسک محاوره ای موفقیت آمیز برای اینکه به واقعیت شناختی مشترکی دست یابند باید منابع محاوره ای یا فرهنگی مشترکی داشته باشند. یک محاوره موفقیت آمیز ممکن است نابرابر باشد، که در آن یک شخص واقعیت فرهنگی را می آفیند و سایرین مخاطب و منفعل هستند. اینجاست که ما شاهد مناسک ایجاد کننده سلطه و تحت سلطه هستیم (همان: ۶۲).

روش شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای شهر شیراز شامل تمامی زنان و مردان متأهل دارای همسر در ۱۸ منطقه شهری شیراز در سال ۱۳۷۹ می باشد. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد ۲۸۴ نفر است که برای اطمینان بیشتر تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب شده اند. شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای است که از ۶ منطقه اجتماعی - اقتصادی شهر شیراز می باشد. در این تحقیق جهت آزمون فرضیات و تهیه داده ها از پرسشنامه با استفاده از سؤالات باز و بسته مصاحبه انجام شده است. در مورد اعتبار طیفهای بکار رفته در سنجش متغیرها سعی شده حتی المقدور از اعتبار صوری طیف با نظر اندیشمندان شود.

با هدف تأمین روایی لازم برای پرسشنامه نهایی، پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت. پس از انجام بررسیهای مقدماتی، تغییراتی در ساخت پرسشنامه داده شده. لازم به یادآوری است بعد از تکمیل پرسشنامه از طرف پاسخگویان در مناطق مختلف شهر شیراز، برای آزمون پایایی طیفها سنجش روایی طیف لیکرت متغیرها بدست آمد.

میزان روایی طیف از طریق تحلیل میزان همبستگی گویه با کل صورت گرفت و در نتیجه، تعدادی از گویه ها که میزان ضریب همبستگی ضعیفی با مجموعه گویه های طیف خود داشتند، حذف گردید. همچنین میزان روایی طیفها از طریق آلفا کرونباخ بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- نتیجه آزمون روایی به تکفیک طیفهای پرسشنامه

نام طیف	نگرش به همسان همسری	تقدیرگرایی	میزان رضایت کلی از زندگی
آلفا کرونباخ	۰،۸۵	۰،۷۶	۰،۷۲

در جدول شماره ۲، ۳ و ۴، آلفا کرونباخ برای هر یک از گویه های طیف نشان داده شده است. آلفای بدست آمده برای سه طیف مربوط به نگرش نسبت به همسان همسری، تقدیرگرایی و رضایت کلی از زندگی زناشویی می باشد.

جدول ۲- طیف مربوط به نگرش نسبت به همسان همسری

آلفا کرونباخ	نام گویه
۰،۸۴	اهمیت همشهری یا هم استانی بودن زوجین
۰،۸۴	اهمیت هم زبان بودن زوجین
۰،۸۴	اهمیت مشابهت اخلاقی بین زوجین
۰،۸۴	اهمیت و همجواری و نزدیکی محل سکونت قبل از ازدواج
۰،۸۴	اهمیت یکسان بودن تحصیلات زوجین
۰،۸۴	اهمیت تشابه شغلی والدین زوجین
۰،۸۵	اهمیت مشابهت اقتصادی والدین زوجین
۰،۸۵	اهمیت مشابهت زوجین از نظر فرهنگی
۰،۸۵	اهمیت فاصله سنی کم بین زوجین
۰،۸۴	اهمیت مشابهت در سلیقه بین زوجین
۰،۸۵	اهمیت تناسب ظاهری زوجین
۰،۸۵	گویه مربوط به سهم مشابهت در مذهب

جدول ۳- طیف مربوط به تقدیرگرایی

نام گویه	آلفا کرونباخ در صورت حذف گویه
سرنوشت هرکس روی پیشانی‌اش نوشته شده است	۰.۷۲
هرکس سرنوشتش را خودش رقم می‌زند	۰.۷۴
همه چیز را قسمت تعیین می‌کند	۰.۷۳
بر اثر تلاش و کوششهاست که زندگی جهت می‌یابد	۰.۷۸
هیچکس نمی‌تواند قسمت خود را تغییر دهد	۰.۷۴
همه چیز دست خود آدم است	۰.۷۴
شانس در زندگی خیلی مهم است	۰.۷۵
هر چیزی حکمتی دارد	۰.۷۵
هیچ حکمتی در کار نیست، به خود فرد بستگی دارد	۰.۷۶
بعضی وقتها عوامل خارجی همه چیز را عوض می‌کنند	۰.۷۵
اگر با چشمان باز عمل کنیم، هرگز گول نمی‌خوریم	۰.۷۴

آلفاکل طیف = ۰.۷۶

جدول ۴- طیف مربوط به رضایت کلی از زندگی زناشویی

نام گویه	آلفا کرونباخ
هنگام ازدواج با همسر من توافق کامل داشتم	۰.۵۳
اگر به زمان گذشته برگردم و بخوام ازدواج کنم، همین همسر را برمی‌گزینم	۰.۷۸
به نظر خودم ازدواج من یک ازدواج موفق است	۰.۵۰
بطور کلی از زندگی خود بسیار راضی هستم	۰.۶۹

آلفا کل طیف = ۰.۸۵

فرضیات تحقیق

جهت پاسخ به سوالات تحقیق، با استفاده از چارچوب نظری تحقیق، فرضیات زیر

ارائه می‌گردد:

۱- به نظر می‌رسد که بین مدت ازدواج افراد با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه وجود دارد.

- ۲- به نظر می رسد که بین درآمد افراد با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد که بین آگاهی به حقوق یکدیگر و نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می رسد که تقدیرگرایی با نگرش افراد نسبت به همسان همسری رابطه دارد.
- ۵- به نظر می رسد که منابع اطلاعاتی افراد با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه دارد.
- ۶- به نظر می رسد که رضایت کلی از زندگی با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه دارد.
- ۷- به نظر می رسد که نحوه تربیت فرزندان افراد با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه دارد.
- ۸- به نظر می رسد که فاصله سنی زوجین با نگرش آنها نسبت به همسان همسری رابطه دارد.
- ۹- به نظر می رسد که میزان همکاری مرد در خانه با نگرش وی نسبت به همسان همسری رابطه دارد.

تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش از آمار استنباطی با استفاده از تحلیل پراکنش و ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره به تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات پرداخته می شود.

مدت ازدواج و نگرش نسبت به همسان همسری

مدت ازدواج یکی از مهمترین متغیرهایی است که می تواند در نگرش افراد نسبت به همسان همسری مؤثر باشد. زیرا هرچه دو نفر بیشتر با هم زندگی کنند، بهتر یکدیگر را می شناسند و بیشتر می توانند در انتخاب همسر آینده فرزندان خود و نیز اطرافیان اظهار نظر نمایند. برای سنجش این متغیر، از تحلیل پراکنش استفاده گردید و همان طور

که جدول شماره ۵ نشان می دهد، هرچه مدت ازدواج بیشتر می شود، نگرش پاسخگویان نسبت به همسان همسری افزایش می یابد.

جدول ۵- آزمون تحلیل پراکنش جهت همبستگی بین مدت ازدواج و نگرش نسبت به همسان همسری

میانگین	تعداد	مدت ازدواج
۴۲	۱۶۶	۰-۴ سال
۴۳	۱۰۹	۵-۹ سال
۴۳	۹۱	۱۰-۱۵ سال
۴۶	۲۶	۱۶ سال به بالا
۴۳	۳۹۲	جمع

$F = ۲,۹$

$Sig = ۰,۰۳۶$

رابطه درآمد ماهانه خانوار با نگرش نسبت به همسان همسری

درآمد ماهیانه خانوار متغیر دیگری است که به نظر می رسد می تواند بر نگرش افراد مؤثر باشد. چنانکه جدول شماره ۶ نشان می دهد، این متغیر با نگرش نسبت به همسان همسری رابطه مثبت و معناداری دارد. بدین معنا که هرچه درآمد افراد افزایش می یابد نگرش آنها به همسان همسری بیشتر می شود.

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد ماهیانه خانوار و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد ماهانه خانوار	۰,۱۳۱	۰,۰۱۹

رابطه میزان آگاهی زوجین به حقوق یکدیگر با نگرش نسبت به همسان همسری یکی دیگر از متغیرهای مستقل، میزان آگاهی زوجین به حقوق یکدیگر است که می تواند بر نگرش اثر بگذارد. همانطور که جدول شماره ۷ نشان می دهد، این متغیر در سطح بیشتر از ۹۵ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد هرچه میزان این آگاهی افزایش یابد. نگرش نسبت به همسان همسری قوی تر خواهد بود.

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون بین آگاهی به حقوق یکدیگر و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان آگاهی زوجین به حقوق یکدیگر	۰,۳۴۱	۰,۰۰۷

رابطه تقدیرگرایی با نگرش نسبت به همسان همسری

نگرش افراد نسبت به سرنوشت، تقدیر و شانس، با نام متغیر تقدیر گرایی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. این متغیر بعد از جمع نمرات، تبدیل به یک متغیر واحد گردید و با ضریب پیرسون مورد آزمون قرار گرفت. چنانکه جدول شماره ۸ نشان می دهد، رابطه تقدیرگرایی با متغیر وابسته در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی گویای این امر است که رابطه منفی بین تقدیرگرایی و نگرش به همسان همسری وجود دارد.

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین تقدیر گرایی و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تقدیرگرایی	-۰,۱۲۱۱	۰,۰۱۶

رابطه منابع اطلاعاتی زوجین با نگرش نسبت به همسان همسری

منابع اطلاعاتی یکی دیگر از متغیرهایی است که در این پژوهش بررسی شده است، برای آزمون اثر این متغیر بر نگرش نسبت به همسان همسری از تکنیک تحلیل

پراکنش سود جسته ایم. همانطور که در جدول شماره ۹ ملاحظه می شود، این متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۹- آزمون Anova جهت همبستگی بین منابع اطلاعاتی افراد و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	تعداد	میانگین
هیچکس / خدا	۶۲	۴۴
والدین / خانواده	۱۵۸	۴۲
فامیل	۳۰	۴۴
دوست	۵۹	۴۴
خودمان	۷۹	۴۱
جمع	۳۸۸	۴۲

$F = ۲,۵$

$Sig = ۰,۰۴۱$

رابطه رضایت کلی افراد از زندگی با نگرش نسبت به همسان همسری

رضایت کلی افراد متأهل از زندگی زناشویی از عوامل مهم دیگری است که می تواند بر نگرش افراد نسبت به همسان همسری مؤثر باشد. این متغیر یک طیف را تشکیل می دهد که بعد از جمع کل نمره طیف، تبدیل به یک متغیر جداگانه شده و با ضریب همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفته است. چنانکه جدول شماره ۱۰ نشان می دهد، این متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد معنادار است. ضریب همبستگی گویای رابطه مثبت بین میزان رضایت کلی از زندگی و نگرش نسبت به همسان همسری وجود دارد.

جدول ۱۰ - ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت کلی از زندگی و زناشویی و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان رضایت کلی از زندگی	۰،۱۲۶	۰،۰۳

رابطه میزان همکاری مرد در خانه با نگرش نسبت به همسان همسری این تحقیق درصدد است که آیا میزان کمکی که مردان در کارهای منزل به همسر خود می نمایند، روی نگرش همسران آنان نسبت به همسان همسری مؤثر است یا خیر؟ سؤالات مربوط به این عامل را فقط زنان پاسخ داده اند. چون این متغیر فاصله ای است با ضریب پیرسون مورد سنجش قرار گرفته است. جدول شماره ۱۱ نشان می دهد که این متغیر با متغیر وابسته در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان معنادار بوده و بیانگر رابطه مثبت بین میزان همکاری در امور منزل به همسر خود و نگرش او به همسان همسری وجود دارد.

جدول ۱۱ - ضریب همبستگی پیرسون بین میزان همکاری مرد در خانه و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان همکاری مرد در خانه	۰،۰۹۸۹	۰،۰۵۰

رابطه نحوه تربیت فرزندان با نگرش نسبت به همسان همسری متغیر نحوه تربیت فرزندان شامل انواع مختلف تربیت مانند پدرسالاری، مادر سالاری، فرزند سالاری و چند سویی می گردد. این متغیر یک متغیر فاصله ای است و برای تحلیل آن از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته ایم. با توجه به جدول شماره ۱۲ مشاهده می شود که این متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد با متغیر وابسته تحقیق رابطه معناداری دارد و ضریب همبستگی حکایت از رابطه مثبت بین این دو متغیر دارد.

جدول ۱۲ - ضریب همبستگی پیرسون بین نحوه تربیت فرزند و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نحوه تربیت فرزند	۰,۲۵۰۰	۰,۰۰۰

رابطه فاصله سنی زوجین با نگرش نسبت به همسان همسری

فاصله سنی زوجین هنگام ازدواج یکی از متغیرهایی است که به همسانی سنی خود پاسخگویان مربوط می شود. می خواهیم بدانیم که آیا اختلاف سن در بین زوجین پاسخگو بر نگرش ایشان نسبت به همسان همسری مؤثر است یا خیر؟ چنانکه در جدول شماره ۱۳ مشاهده می شود، رابطه متغیر فاصله سنی با همسان همسری براساس ضریب پیرسون در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. که ضریب همبستگی بیانگر رابطه منفی بین این دو متغیر است. بدین معنا که هرچه فاصله سنی کمتر باشد نگرش نسبت به همسان همسری بیشتر می شود.

جدول ۱۳ - ضریب همبستگی پیرسون بین فاصله سنی افراد و نگرش نسبت به همسان همسری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فاصله سنی	-۰,۱۱۳۲	۰,۰۲۴

معادله رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام

جدول شماره ۱۴ رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام را نشان می دهد. در مرحله نهایی مقدار R برابر با ۰,۴۸۴۶۰ و مقدار R^2 برابر ۰,۲۳۴۸۴ می باشد. متغیرهای دخالت والدین، مدت ازدواج، رضایت کلی از زندگی زناشویی، درآمد و شغل پدر شوهر میتوانند وارد معادله شوند، در گام اول متغیر دخالت والدین بعنوان مهمترین عامل وارد معادله شده است که مقدار ۵,۸ درصد همسان همسری تبیین نموده است. وقتی متغیر مدت

ازدواج وارد معادله می شود. $R^2 = 0.037$ درصد به R^2 افزوده می شود. سطح معناداری تمام متغیرها حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان است.

جدول ۱۴- ارزیابی معادله رگرسیون برای کل پاسخگویان به روش گام به گام

مرحله	نام متغیر	R	R^2	مقدار اضافه شده به R^2	مقدار F	Sig سطح معناداری
یکم	دخالت والدین	۰.۲۴۰۱۶	۰.۰۵۷۶۸	-	۷.۸۹۵۹۳	۰.۰۰۰۵۷
دوم	مدت ازدواج	۰.۲۰۷۹۷	۰.۰۹۴۸۵	۰.۰۳۷۱۷	۶.۷۰۶۳۳	۰.۰۰۰۳۴
سوم	رضایت کلی	۰.۲۷۲۹۶	۰.۱۳۹۱۰	۰.۰۴۴۲۵	۶.۵۱۷۰۱	۰.۰۰۰۰۴
چهارم	درآمد ماهیانه	۰.۴۳۴۱۴	۰.۱۸۸۴۸	۰.۰۴۹۳۸	۶.۹۶۷۵۲	۰.۰۰۰۰۰
پنجم	شغل پدرشوهر	۰.۴۸۴۶۰	۰.۲۳۴۸۴	۰.۰۴۶۳۶	۷.۳۰۴۶۵	۰.۰۰۰۰۰

جدول ۱۵- شاخص های آماری متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	T	Sig
۱	دخالت والدین	۱.۲۱۰	۰.۴۰۱	-۰.۲۴۴	۳.۰۱۹	۰.۰۰۰۳۱
۲	مدت ازدواج	۱.۷۵۶	۰.۶۴۱	۰.۲۲۱	۲.۷۳۹	۰.۰۰۰۷۱
۳	رضایت کلی	-۱.۹۷۸	۰.۶۶۴	۰.۲۴۴	-۲.۹۷۹	۰.۰۰۰۳۵
۴	درآمد ماهیانه	۱.۸۱۳	۰.۲۰۸	۰.۳۰۱	-۳.۴۸۱	۰.۰۰۰۰۷
۵	شغل پدرشوهر	۰.۵۶۷	۰.۲۱۱	۰.۲۳۰	۲.۶۸۵	۰.۰۰۰۸۳

$a = 26.36$

$R = 0.485$

$R^2 = 0.235$

نتیجه گیری

این پژوهش به تحلیل جامعه شناختی از پدیده همسرگزینی از نوع همسان همسری و نگرش افراد متأهل نسبت به این پدیده پرداخته است. با توجه به مباحث نظری از یک طرف و تحقیقات انجام گرفته از طرف دیگر و چارچوب نظری تحقیق، فرضیات تحقیق طراحی و از طریق مصاحبه حضوری براساس پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از آمار استنباطی استفاده شد. از بین متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله ای و رتبه ای و اسمی قرار داشتند، ۹ متغیر مدت ازدواج، درآمد ماهانه خانوار، فاصله سنی زوجین، رضایت کلی از زندگی زناشویی، تقدیرگرایی، میزان همکاری مرد در خانه، آگاهی زوجین به حقوق یکدیگر، منابع اطلاعاتی زوجین و نحوه تربیت فرزندان رابطه معنی داری با نگرش نسبت به همسان همسری داشتند. این بدان معنی است که با افزایش در هر یک از این متغیرها، نگرش نسبت به همسان همسری تغییر می یابد. هر یک از این نتایج با بحث های نظری مطرح هماهنگ بود. در پژوهش حاضر متغیری که بیشترین واریانس متغیر وابسته را تبیین می نماید، دخالت والدین در زندگی است. این متغیر مقدار ۵ درصد تغییرات گرایش به همسان همسری را توضیح داده است. متغیر مدت ازدواج قدرت تبیین معادله را از ۵ درصد به ۹ درصد افزایش داده است. رضایت کلی از زندگی زناشویی تا ۰،۱۳ قدرت تبیین را بالا می برد. درآمد ماهانه خانوار قدرت تبیین را تا ۰،۱۸ می افزاید و آخرین متغیر شغل پدر شوهر است که باعث می شود قدرت تبیین معادله ۰،۲۳ شود. براساس ضرائب Beta به ترتیب متغیر درآمد ماهانه خانوار، دخالت والدین، رضایت کلی از زندگی زناشویی، شغل پدر شوهر و مدت ازدواج بیشترین تأثیر را بر نگرش نسبت به همسان همسری می گذارند. نکته مورد توجه این است که متغیرهایی که مربوط به بعد از ازدواج هستند، بیشتر از متغیرهای دیگر بر روی نگرش نسبت به همسان همسری مؤثر بوده اند. متغیر دخالت والدین که با نگرش رابطه معناداری نداشت، در مراحل چندگانه رگرسیون به عنوان اولین متغیر وارد شده و هر چند درصد زیادی از معادله را تبیین نمی کند، اما رابطه معناداری را

نشان داده است و این بیانگر اثر متقابل متغیرها بر یکدیگر است. در این پژوهش تعدادی از متغیرها، که شاید ارزش چندانی برای ما نداشته اند، وقتی که اثر متغیر سن را کنترل می کنیم، رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان می دهند، (مانند وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی افراد از نظر خودشان، نقش زن در تربیت فرزند و مشاگره زن و شوهر). همچنین فاصله تحصیلی زوجین برخلاف تصور ما رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد، در حالیکه فاصله سنی زوجین، همانطور که در بخش آزمون فرضیات دیده شد، رابطه معناداری با نگرش آنها دارد. یعنی سن دوباره اینجا خود را نشان می دهد. یک نکته قابل توجه این است که اثر تقدیرگرایی و اثر اقتدار والدین در امر انتخاب همسر همچنان مهم است.

تأثیر کم رنگ اقتدار والدین، تقدیرگرایی و سنت گرایی در تصمیم گیری های والدین نسبت به ازدواج فرزندان به این علت که آزادی عمل جوانان در این امر نسبت به قبل بیشتر گشته است و گزینش همسر برای جوانان، معمولاً بعد از انتخاب خود فرد، با نظر والدین تأیید یا رد می گردد. والدین هم نظرشان بر این بوده است که برای جلوگیری از طلاق و مشاگرات شدید و نابسامانی خانوادگی باید انتخاب همسر با نظر خود فرد و فرزند آنان همراه باشد و جوانان در این موضوع آزادتر از قبل باید باشند. براساس مقایسه نظری با تحقیقات قبلی در باره همسرگزینی می توان گفت که ازدواج ها نسبت به قبل کمتر تحمیلی است و بیشتر با نظر خود فرد صورت می گیرد. البته نمی توان تأثیر سنت گرایی و تقدیرگرایی را نادیده گرفت، اگر چه اثر این گرایشات کاهش یافته است. نتیجه ای که از این مقایسه می توان گرفت این است که دختران با توجه به افزایش امکانات تحصیلات، نسبت به قبل دیرتر دست به ازدواج می زنند، بنابراین با دید بازتری همسر خود را انتخاب خواهند نمود. نتیجه مهمی که قابل ذکر است این است که معمولاً در هر دوره ای انتخاب همسر در کل به سوی انتخاب همسران همسان جهت گیری می شده است و تا به حال نیز ادامه یافته است، اگر چه استثنائاتی هم بوده است.

منابع فارسی

- ۱- اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه حاضری و دیگران، تهران: انتشارات تابان، ۱۳۷۵.
- ۲- جهانگیرزاده، جواد، بررسی زمینه های اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شیوه همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.
- ۳- حق دوست، علی اکبر و دیگران، «بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج». مجله اندیشه و رفتار، جلد دوم، شماره ۳، ۱۳۷۴.
- ۴- خون چمن، علی، طبقه اجتماعی خانواده و تأثیر آن بر روابط زن و شوهر، مورد مطالعه شهر شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷.
- ۵- ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
- ۶- عزیزی، ابوطالب، بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی دختران تحصیلکرده شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری در شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷.
- ۷- فرجاد، محمدحسین، آسیب شناسی اجتماعی، ستیزه های خانواده و طلاق، تهران، انتشارات منصور، ۱۳۷۲.
- ۸- قلی زاده کلان، فرض ا...، «ازدواج و اهداف آن»، پاسدار اسلام، شماره ۱۸۵.
- ۹- کوئن، بروس، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات توتیا، ۱۳۷۷.

منابع انگلیسی

- 1- Eshleman, J. R. (1988), *The Family an Introduction*, Alynand Bacod, Inc.
- 2- Newman. D. M. (1999), *Sociology of family*, Pine Forge Press.
- 3- Nock, S. L. (1987), *Sociology of the Family*, Prentice - Hall, INC.
- 4- Nock. S. (1998), "In termarriage and Homogamy", [http://www. Sistanhs Pace. Com / Nommo/ Iv25. Html](http://www.SistanhsPace.Com/Nommo/Iv25.Html).
- 5- Qian, Z. (1993), "Chances in Assortative Mating: The Impact of Age and Education, 1970-1990", *Demography*, Vol. 35, No. 3, PP. 279-292.
- 6- Turner, J. T. (1998), *The Structure of Sociological Theory*, CA, wadsworth, Belmont.